

تحلیل قرآنی فقهی تجاوز ناموسی

چکیده

حرمت ذاتی انسان (سوره اسراء، آیه ۷۰) و حراست از حریم خصوصی (سوره نور، آیه ۲۷)، هرگونه تعرض به این موهبت الهی را محکوم می‌کند. «تجاوز ناموسی» به عنوان مصداق بارز «فاحشه» و «منکر» (سوره عنکبوت، آیه ۴۵)، نقض آشکار این حریم است که در آن فردی با استفاده از زور، تهدید یا فریب، خارج از چارچوب ازدواج شرعی، به حریم جنسی دیگری وارد می‌شود. این جرم، تنها یک آسیب فردی نیست، بلکه «فساد در الأرض» (سوره بقره، آیه ۲۰۵) محسوب شده و بنیان خانواده و سلامت جامعه را تهدید می‌کند.

بر اساس آموزه‌های قرآنی، دفاع در برابر چنین تعرضی نه تنها یک حق، که در مواردی یک تکلیف شرعی است. آیه «وَلَا تُقِيمُوا لِلْخَائِنِينَ» (سوره نساء، آیه ۱۰۵) و نیز آیات دفاع مشروع (سوره بقره، آیه ۱۹۰ و ۱۹۱) بر مشروعیت مقابله با ستمگر تأکید دارند. فقه امامیه با استناد به این مبانی، احکام مربوطه را استخراج کرده است. در تجاوز کامل (در حد جماع)، با توجه به شدت فاحشه، حکم قاطع قرآن و سنت در مورد مرتکب زنای محصنه (سوره نور، آیه ۲) و نیز قاعده دفاع، مجازات متجاوز را توجیه می‌کند و خون او را هدر می‌داند. در تجاوزهای کمتر از حد جماع نیز با استناد به قاعده نفی «حرج» و «ضرر» (سوره حج، آیه ۷۸) و امر به دفاع از مظلوم، دفاع متناسب تا سر حد قتل در صورت عدم امکان دفع به طریق دیگر، جایز شمرده شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که نظام فقهی اسلام با تکیه بر آموزه‌های ناب قرآنی، کرامت انسانی را پاس داشته و برای صیانت از حریم ناموس، سازوکارهای دفاعی قدرتمندی را پیش‌بینی کرده است.

واژگان کلیدی: قرآن، فقه امامیه، تجاوز ناموسی، دفاع مشروع، حریم خصوصی، کرامت انسانی.

"پدیده شوم تجاوز ناموسی، افزون بر آثار مخرب فردی و اجتماعی، نقض صریح آموزه‌های بنیادین قرآنی در مورد کرامت انسان (سوره اسراء، آیه ۷۰) و لزوم پاسداشت حریم‌هاست (سوره حجرات، آیه ۱۲). قرآن کریم جامعه مؤمنان را به پرهیز از فحشا و هرگونه نزدیکی به آن فراخوانده (سوره انعام، آیه ۱۵۱) و تجاوز جنسی را مصداق بارز ظلم و تجاوزگری می‌داند. از این رو، بررسی این پدیده تنها از منظر فقهی کافی نبوده و می‌بایست با رجوع مستقیم به سرچشمه وحی، تحلیل قرآنی جامعی از آن ارائه نمود. این مقاله در پی آن است تا با تمسک به آیات قرآن کریم و تبیین فقهی مبتنی بر آن، چارچوبی استوار برای مفهوم‌شناسی، تحلیل و مقابله با این جرم فراهم آورد."

بر این اساس لازم است که از مفهوم‌شناسی، مصادیق و احکام آن و سازوکار تطبیق آن با شرایط کنونی جوامع، خاصه جوامع اسلامی بحث و گفتگو شود. اهمیت این بحث و پرداخت فقهی به آن، به جایگاه و خواستگاه قوانین در جوامع اسلامی بر می‌گردد؛ چرا که احکام و قوانین شرعی به‌عنوان یکی از منابع اصلی حقوقی در جوامع اسلامی هستند که تاثیر غیرقابل انکاری در تعیین چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی آن جوامع دارند. از این رو بررسی دقیق این مسئله از نظرگاه فقه می‌تواند به رفع ابهامات موجود کمک کرده و امکان حمایت بهتر از حقوق قربانیان را فراهم سازد.

همچنین با توجه به تغییرات اجتماعی و افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق زنان و کودکان، نیاز به بازنگری در برخی احکام فقهی مرتبط با تجاوز ناموسی احساس می‌شود. بسیاری از احکام موجود بر اساس شرایط تاریخی و مقتضیات زمان‌های گذشته تدوین شده‌اند و تطبیق آنها با واقعیت‌های امروز نیازمند بررسی و تحلیل دقیق است. این مقاله با هدف ارائه تحلیل جامع از مفهوم تجاوز ناموسی در فقه اسلامی، بیان مصادیق و احکام آنها تدوین شده است.

۱. مفاهیم

۱/۱. تجاوز

در لغت، واژه "تجاوز" از ریشه "جوز" گرفته شده است که به معنای عبور کردن و فراتر رفتن از حد و مرزها است. این اصطلاح به نقض قوانین و گذر از حدود تعیین شده اشاره دارد.^۱ در زبان فارسی، این کلمه به معنای تعرض به حقوق، حرمت و حریم فردی بدون رضایت یا اجازه او به کار می‌رود.^۲

در جوامع و فرهنگ‌های مختلف، تجاوز به شکل‌های گوناگونی تعریف می‌شود، اما همواره شامل مفهوم عبور از مرزهای شخصی یا اجتماعی است. این موضوع با نقض حقوق و آزادی‌های فردی ارتباط مستقیم دارد و معمولاً با مفاهیم نادیده گرفتن محدودیت‌ها همراه است.

در قرآن کریم، ریشه «طغیان» که هم‌خانواده «تجاوز» است، برای توصیف فراتر رفتن از حدود الهی به کار رفته است (سوره علق، آیه ۶). همچنین واژه «بغی» به معنای ستم و تجاوز (سوره بقره، آیه ۲۷۹) و «عدوان» به معنای دشمنی و تجاوزگری (سوره مائده، آیه ۲)، مفاهیم مرتبطی هستند که حرمت تعدی به حقوق دیگران را می‌رسانند. از این منظر، هرگونه عمل جنسی خارج از چارچوب «نکاح» یا «ما ملکت ایمانکم» که در قرآن مجاز شمرده شده (سوره نساء، آیه ۳ و ۲۴ و ۲۵؛ سوره مؤمنون، آیه ۶)، مصداق «تجاوز» و «فاحشه» (سوره نساء، آیه ۲۲) است.^۳

۱. معلوف، لوئیس.، ۲۰۰۰ م.، المنجد في اللغة العربية المعاصرة، بیروت - لبنان، دار المشرق، صفحه: ۲۳۷

۲. دهخدا، علی اکبر. به کوشش ایرج مهرکی، و غلامرضا ستوده، و اکرم سلطانی. زیر نظر جعفر شهیدی.، ۱۳۹۰ ه.ش.، لغت نامه، تهران -

ایران، دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ، جلد: ۱، صفحه: ۶۹۶

از نظر فقهی، تعریف مشخص و جامعی برای تجاوز ارائه نشده است. با این حال، و با تأمل در تعبیر و متون فقهی می توان دریافت که فقها هر گونه نقض حریم جنسی فرد بدون رضایت او را مصداق تجاوز دانسته اند. این مفهوم در فقه اسلامی با عباراتی همچون "زنا به عنف"^۳ و "غصب فرج"^۴ و "تعدی به زوجه"^۵ مورد اشاره قرار گرفته است.

عبارات فقهی که برای تجاوز به کار می رود، به طور خاص بر اهمیت رضایت فرد و حرمت حریم او تأکید دارد. در این موارد، تجاوز به عنوان یکی از جدی ترین جرایم و نقض کننده های اصول اخلاقی و دینی شناخته می شود.

بنابراین، تجاوز در هر قالبی، چه در فرهنگ های مختلف و چه در چارچوب های دینی، به معنای نقض حقوق و حرمت های فردی است که بدون رضایت فرد انجام می شود و همواره پیامدهای سنگین اجتماعی و قانونی به دنبال دارد.

۱/۲. ناموس

دومین مفهوم محوری این مقاله عبارتست از ناموس. واژه «ناموس» در اصل یک واژه معرب است، یعنی از زبانی غیر از عربی وارد زبان عربی شده است. این واژه ریشه در زبان یونانی دارد و از کلمه یونانی "نوموس" به معنای قانون

۳. المنتظری، الشیخ حسین علی، الأحکام الشرعیة نویسنده: نشر تفکر، قم، صفحه ۵۵۳. *** همچنین مکارم شیرازی، ناصر. محقق ابراهیم بهادری.، ۱۳۷۷ ه.ش.، أنوار الفقاهة، قم - ایران، مدرسة الإمام علي بن أبي طالب (عليه السلام)، صفحه: ۲۹۲

۴. متون فقهی: طوسی، محمد بن حسن.، ۱۴۰۰ ه.ق.، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت - لبنان، دار الكتاب العربی، صفحه: ۶۹۳ (من غصب امرأة فرجها، فإنه يجب علیه القتل علی کل حال، محصنا کان أو غیر محصن) *** همچنین ابن براج، عبدالعزیز بن تحریر. مقدمه نویس جعفر سبحانی تبریزی. گردآورنده موسسه سیدالشهداء.، ۱۴۰۶ ه.ق.، المذهب، قم - ایران، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامی، جلد: ۲، صفحه: ۵۱۹ (کل من غصب امرأة فرجها، محصنا أو غیر محصن) همچنین سایر متون فقهی نیز این عبارت به تعداد فراوان وجود دارد و مورد استفاده قرار گرفته است. در متون روایی متعددی نیز از عبارت غصب فرج یاد شده است. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ بُرَيْدٍ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ اغْتَصَبَ امْرَأَةً فَرَجَهَا قَالَ يَقْتُلُ مُحْصَنًا كَانَ أَوْ غَيْرَ مُحْصَنٍ. *** همچنین: أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَلِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي رَجُلٍ غَصَبَ امْرَأَةً نَفْسَهَا قَالَ قَالَ يُضْرَبُ ضَرْبَةً بِالسَّيْفِ بَلَّغَتْ مِنْهُ مَا بَلَّغَتْ. **** همچنین: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: فِي رَجُلٍ غَصَبَ امْرَأَةً نَفْسَهَا قَالَ يَقْتُلُ (کلینی، محمد بن یعقوب. مصحح محمد آخوندی، و علی اکبر غفاری.، ۱۳۶۳ ه.ش.، الکافی (اسلامیه)، تهران - ایران، دار الکتب الإسلامیة، جلد: ۷، صفحه: ۱۸۹)

۵. خویی، سید ابو القاسم موسوی، مبانی تکملة المنهاج، ۲ جلد، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي ره، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ ه.ق. ج ۴۱ موسوعة، ص: ۴۲۲

*** همچنین: وحید خراسانی، حسین. منهاج الصالحین (وحید)، قم - ایران، مدرسة الامام باقر العلوم (عليه السلام)، جلد: ۳، صفحه: ۴۹۵

**** همچنین: سبحانی تبریزی، جعفر.، ۱۴۳۲ ه.ق.، الحدود و التعزیرات فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم - ایران، مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، صفحه: ۵۰۱

و هنجار گرفته شده است^۶ و سپس به ادبیات عربی وارد شده است. در متون لغت‌شناسی معانی متعددی برای این واژه ذکر شده است که شامل قانون، شریعت^۷، صاحب سر^۸، احکام الهی، قاعده، دستور، آبرو، عزت، قدر و حرمت می‌باشد. نکته جالب آنکه در کاربست این واژه را در مواردی همچون همسر، مادر یا خواهر یک مرد از باب مجاز دانسته‌اند.^۹ "اگرچه واژه «ناموس» به طور مستقیم در قرآن نیامده است، اما مفهوم «عَرَض» (آبرو و حیثیت) که در آیه «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ» (سوره حجرات، آیه ۱۱) از آن دفاع شده، و نیز مفهوم «حُرْمَات» (حرمت‌ها) در آیات مختلف (مانند سوره بقره، آیه ۱۹۴)، به حوزه معنایی ناموس بسیار نزدیک است. از سوی دیگر، قرآن کریم با امر به «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (سوره تحریم، آیه ۶)، مسئولیت صیانت از خود و خانواده (که کانون مفهوم ناموس است) را بر عهده فرد می‌گذارد." "مفسران معاصر در تبیین مفهوم «ناموس»، گاه بر «حیثیت معنوی و اجتماعی شخص» تأکید بیشتری دارند. آیت‌الله مصباح یزدی در تفسیر موضوعی، ناموس را به «عرضی» تعبیر می‌کنند که پایه‌های هویت و شخصیت اجتماعی فرد بر آن استوار است. این نگاه، از محدوده جنسیت فراتر رفته و دفاع از آن را به دفاع از «هویت فردی و اجتماعی» تعمیم می‌دهد."

۱/۲/۱. ناموس به مثابه یک امر عرفی

مفهوم "ناموس" به طور کلی به معنای شرف، آبرو و حیثیت است. این معانی زمانی کامل می‌شوند که به یک موضوع یا شخص خاصی تعلق گیرند. اما اینکه "ناموس" به چه چیزی و در چه شرایطی تعلق می‌گیرد، بستگی به عرف و شرایط اجتماعی دارد که ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تفاوت داشته باشد. به عبارت دیگر، در یک جامعه ممکن است حفظ و صیانت از یک موضوع خاص، به عنوان نشانه‌ای از شرافت و آبرو تلقی شود، در حالی که در جامعه‌ای دیگر چنین برداشتی وجود نداشته باشد. حتی در یک جامعه مشخص، این برداشت‌ها ممکن است با گذر زمان و تغییر نگرش‌ها (حتی در یک نسل) تغییر کند؛ به گونه‌ای که چیزی که در گذشته نماد شرافت و آبرو بوده، در زمان دیگری چنین اهمیتی نداشته و از آن عنوان خارج شود.

۶ . Liddle, H.G., and Scott, R., H.S.Jones and R.Mckenzie, ۱۹۴۰, AGreek- English Lexicon, Clarendon Press.Oxford.

۷ . بستانی، فواد افرام. مترجم رضا مهیار. ، ۱۳۷۵ ه.ش.، فرهنگ ابجدی، تهران - ایران، اسلامی، صفحه: ۸۹۵

۸ . معلوف، لوئیس. ، ۱۳۷۱ ه.ش.، المنجد فی اللغة، قم - ایران، اسماعیلیان، صفحه: ۸۳۹

۹ . دهخدا، علی اکبر. به کوشش ایرج مهرکی، و غلامرضا ستوده، و اکرم سلطانی. زیر نظر جعفر شهیدی. ، ۱۳۹۰ ه.ش.، لغت نامه، تهران -

ایران، دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ، جلد: ۲، صفحه: ۲۹۴۵

بنابراین، "ناموس" به عنوان یک مفهوم اجتماعی و عرفی، وابسته به متعلقی است که در شرایط مختلف زمانی و مکانی تغییر می‌کند. این مفهوم به صورت سیال و نسبی، متناسب با فرهنگ و عرف جوامع مختلف و تحولات زمانی، از یک مصداق به مصداق دیگر انتقال می‌یابد.

۱/۲/۲. ناموس در فقه

مفهوم "ناموس" اگرچه ریشه‌های عرفی و فرهنگی عمیقی دارد، اما به طور خاص در چارچوب مباحث فقهی به جنس مونث در حوزه خانواده محدود شده است. این مفهوم در ادبیات فقهی به شکل گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته و به جنبه‌های مختلفی از جمله "خیانت ناموسی"، تجاوز به ناموس، هتک ناموس، دفاع از ناموس و ... پرداخته می‌شود. در تمامی این مباحث، تمرکز اصلی بر جنس انثا در حوزه خانواده خصوصاً همسر به عنوان مصداق اصلی ناموس است. بنابراین در فقه، مصداق اصلی ناموس جنس مونث (مادر، خواهر، دختر و همسر) است و تمرکز و تاکید بیشتر متون فقهی بر مورد همسر است.

۱/۳. تجاوز ناموسی

تجاوز ناموسی مفهومی است که با ترکیب دو عنصر تجاوز و ناموس، به وضعیتی اشاره دارد که در آن تعرض جنسی نه صرفاً نقض حریم فردی، بلکه نقض حیثیت، شرافت و آبروی فرد و خانواده در آن صورت گرفته باشد. در این نوع تجاوز، موضوع تنها تعرض به فرد نیست، بلکه متجاوز با زیر پا گذاشتن حرمت و آبروی خانواده، لایه‌ای عمیق‌تر از آسیب را ایجاد می‌کند. بنابراین، تجاوز ناموسی از آن جهت که بر مفهوم ناموس تاکید دارد، فراتر از یک جرم فردی است و ابعاد اجتماعی و حیثیتی به خود می‌گیرد. "تجاوز ناموسی، جمع چند گناه کبیره است: «زنا» یا عمل شبهه‌ناک، «عدوان» (ستم)، و هتک «عرض» مؤمن. قرآن کریم نزدیک شدن به زنا را منع کرده (سوره اسراء، آیه ۳۲) و برای آن مجازات سختی مقرر داشته است (سوره نور، آیه ۲). همچنین، تعرض به زنان مؤمنه و متهم کردن آنان به ناروا، گناهی بزرگ شمرده شده (سوره نور، آیه ۲۳) که نشان از حساسیت قرآن بر حفظ آبرو و حیثیت زنان دارد."

برای درک بهتر این موضوع، لازم است به تحلیل و بررسی ارکان مفهومی تجاوز ناموسی پرداخت و جنبه های مختلف آن را روشن کرد.

۱/۳/۱. ارکان مفهومی تجاوز ناموسی

تجاوز ناموسی به عنوان یکی از جدی ترین جرایم علیه کرامت انسانی، همواره در ادبیات حقوقی و اجتماعی با محوریت مفاهیمی چون نقض رضایت، استفاده از زور و تعرض به حریم جنسی تعریف شده است.^{۱۰} این جرم به دلیل تأثیرات عمیق فردی و اجتماعی، نیازمند بررسی دقیق در چارچوب ارکان مفهومی خود است. شناخت این ارکان می تواند به درک بهتر ابعاد این پدیده و ارائه راهکارهای مناسب برای مقابله با آن کمک کند.

۱/۳/۱/۱. نقض رضایت

اولین عنصری که می توان از آن به عنوان یکی از ارکان تجاوز ناموسی یاد کرد، "فقدان رضایت" است. رضایت باید به صورت آگاهانه، صریح و بدون هرگونه اجبار، تهدید یا فشار خارجی ابراز شود. چنانچه فرد به هر دلیلی نتواند رضایت خود را آزادانه بیان کند، هرگونه اقدام جنسی به عنوان تجاوز تلقی می شود.^{۱۱} با وجود اینکه متون فقهی به طور مستقیم از اصطلاح "تجاوز ناموسی" استفاده نکرده اند، اما با بررسی دقیق احکام مرتبط با تجاوز می توان فهمید که این احکام عمدتاً در مواقعی کاربرد دارند که عنصر رضایت وجود ندارد. برای نمونه، صاحب ریاض در بحث از حکم هدر بودن خون فرد متجاوز، از واژه های اجبار و مکابره استفاده کرده است: "کذا لو کابر امرأة أو جاریة علی نفسها، أو غلاماً لیفعل بهما محرماً فدفعه کلّ منهم فادی

۱۰. حاجی ده آبادی احمد، حاجی ده آبادی محمدعلی، یوسفی محمد، بررسی مبنای ضرر در جرم انگاری تجاوز جنسی با رویکردی به فقه امامیه، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۲، ص ۳۹.

۱۱. خادمی نسیم، مجتبی جعفری، جامعه شناسی حقوق کیفری؛ رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، چاپ نخست، نشر میزان، تابستان ۱۳۹۲ صص ۲۵۲ و بعد

الدفع إلى تلفه"^{۱۲}. از آنجا که نقطه مقابل اجبار، رضایت است، می‌توان نتیجه گرفت که در متون فقهی نیز فقدان رضایت یکی از عناصر کلیدی در تعریف تجاوز به شمار می‌رود. این مفهوم در سایر متون فقهی نیز به‌وضوح مشاهده می‌شود.^{۱۳}

بنابراین برای شکل‌گیری مفهوم تجاوز ناموسی، اولین رکن، "فقدان رضایت" است. اما این فقدان رضایت تنها به فرد مورد تجاوز محدود نمی‌شود، بلکه شامل رضایت همسر نیز می‌گردد. به عبارت دیگر، تجاوز نه فقط در شرایطی که زن بدون رضایت وارد رابطه شود، بلکه حتی در مواردی که زن با رضایت خود وارد رابطه‌ای نامشروع شود نیز رخ می‌دهد؛ زیرا در چنین شرایطی، اگرچه رضایت زن وجود دارد، اما رضایت شوهر نادیده گرفته شده و به حریم او تجاوز شده است.

لذا در مفهوم خیانت نیز، هرچند زن با اراده خود در این عمل مشارکت داشته باشد، همچنان تجاوز به حقوق و حریم شوهر صورت گرفته است. این مسئله نشان می‌دهد که تجاوز نه تنها به معنای نادیده گرفتن رضایت فردی که مورد تعرض قرار گرفته، بلکه به مفهوم گسترده‌تری از نقض حریم و رضایت فردی که در یک رابطه مشروع و قانونی قرار دارد نیز مربوط می‌شود. از این رو، فقدان رضایت در هر دو سطح، هم فردی و هم خانوادگی، برای شکل‌گیری مفهوم تجاوز ضروری است. "مفسرانی مانند آیت‌الله جوادی آملی، «رضایت» را تنها در چارچوب ازدواج مشروع (نکاح) معتبر می‌دانند و هرگونه رابطه جنسی خارج از این چارچوب را حتی در صورت رضایت ظاهری طرفین، مصداق «تجاوز به حریم الهی» و نقض حکمت تشریع نهاد خانواده معرفی می‌کنند. این دیدگاه، بر غیرقابل تفویض بودن این حریم از سوی فرد تأکید دارد."

۱/۳/۱/۲. استفاده از زور، تهدید یا نیرنگ

رکن دوم تجاوز ناموسی استفاده از ابزارهایی همچون زور، تهدید، نیرنگ است. در این موارد، فرد متجاوز با استفاده از خشونت فیزیکی یا روانی، قربانی را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مجبور به انجام یا تحمل اعمال خاصی می‌کند.^{۱۴} به

۱۲. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - الحديثة)، ۱۶ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ ق ج ۱۶، ص: ۱۶۳ و ۱۶۴

۱۳. ر.ک: طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی. محمود مرعشی. محقق مهدی رجایی. نویسنده جعفر بن حسن محقق حلی. ، ۱۳۶۸ ه.ش.، الشرح الصغير في شرح المختصر النافع، قم - ایران، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره)، جلد: ۳، صفحه: ۳۹۲ - همچنین: ر.ک: محقق حلی، جعفر بن حسن. ، ۱۳۷۶ ه.ش.، المختصر النافع في فقه الإمامية، قم - ایران، مطبوعات دینی، جلد: ۱، صفحه: ۲۲۶

۱۴. خادمی نسیم، مجتبی جعفری، جامعه‌شناسی حقوق کیفری؛ رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، چاپ نخست، نشر میزان، تابستان ۱۳۹۲ صص ۲۵۲ و بعد

کارگیری واژگانی همچون «عنف»^{۱۵}، «مکابره»^{۱۶}، «اکراه»^{۱۷} در متون فقهی برای مورد تجاوز، نیز ناظر به همین عنصر می باشد. این واژگان در فرهنگ های لغت دارای معانی هستند که همگی دال بر به کارگیری عنصر زور و تهدید می باشد.^{۱۸} با گسترش فضای مجازی و تکنولوژی های نوین، این رکن نیز به اشکال جدیدی تبدیل شده است. برای مثال، تهدید به انتشار تصاویر یا اطلاعات خصوصی قربانی در شبکه های اجتماعی، یکی از شیوه های امروزین اعمال زور و تهدید در تجاوز است. در این حالت، متجاوز به جای خشونت فیزیکی، از تهدید به تخریب حیثیت اجتماعی یا آسیب به زندگی خصوصی قربانی استفاده می کند. همچنین، فریب یا نیرنگ در فضای آنلاین، از جمله جعل هویت یا ارائه اطلاعات نادرست برای فریب قربانی، روش دیگری از این رکن در دنیای امروز محسوب می شود. در هر صورت به کارگیری زور، فریب و تهدید دومین رکن مفهومی است که برای شکل گیری و تحقق تجاوز می بایست به آن اشاره کرد.

۱/۳/۱. تعرض به حریم جنسی

سومین عنصری که می توان از آن به عنوان رکن دیگری از مفهوم تجاوز ناموسی یاد کرد، تعرض به حریم جنسی فرد است؛ بدین معنا که می بایست تعرض علاوه بر اینکه بدون رضایت طرف مقابل بوده و از آن با ابزارهایی همچون تهدید و فریب و .. استفاده شده است، می بایست در محدوده حریم جنسی تحقق یافته باشد. البته این تعرض لزوماً به معنای انجام کامل عمل جنسی یعنی "جماع" نیست، بلکه هرگونه اقدام نامطلوب که کرامت و حریم جنسی فرد را مورد هدف قرار می گیرد در

۱۵. المنتظری، الشیخ حسین علی، الأحكام الشرعية نویسنده: نشر تفکر، قم، صفحه ۵۵۳. *** همچنین مکارم شیرازی، ناصر. محقق

ابراهیم بهادری. ۱۳۷۷ ه.ش.، أنوار الفقاهة، قم - ایران، مدرسة الإمام علي بن أبي طالب (عليه السلام)، صفحه: ۲۹۲

۱۶. حائری، سید علی بن محمد طباطبائی، ریاض المسائل (ط - القديمة)، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، هـ ق ج ۲، ص: ۴۹۸

۱۷. حائری، سید علی بن محمد طباطبائی، ریاض المسائل (ط - الحديثة)، ۱۶ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ ق ج ۱۶، ص: ۱۶۵

۱۸. العین، قم - ایران، مؤسسة دار الهجرة، جلد: ۲، صفحه: ۱۵۷ *** همچنین دهخدا، علی اکبر. به کوشش ایرج مهرکی، و غلامرضا ستوده، و اکرم سلطانی. زیر نظر جعفر شهیدی. ۱۳۹۰ ه.ش.، لغت نامه، تهران - ایران، دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ، جلد: ۲، صفحه: ۲۰۲۳

دایره مفهومی این واژه قرار می گیرد. از این دست رفتارها در متون فقهی با عباراتی نظیر مادون جماع^{۱۹}، مادون الفرج^{۲۰} یاد کرده اند و در بیان مصادیق آن به افعالی همچون بوسیدن^{۲۱}، چشم چرانی^{۲۲}، ملاعبه اشاره کرده اند.

در دنیای امروز، تعرض به حریم جنسی می تواند از طریق فضای مجازی و ابزارهای دیجیتال نیز صورت گیرد. برای مثال، ارسال تصاویر یا پیام های جنسی نامناسب بدون رضایت فرد یا انتشار غیرقانونی تصاویر خصوصی او در شبکه های اجتماعی، نمونه هایی از تعرض به حریم جنسی است. این اقدامات بدون نیاز به تماس فیزیکی مستقیم، می توانند به همان میزان تأثیرات روانی و اجتماعی شدیدی بر قربانی داشته باشند.

به طور کلی، ارکان مفهومی تجاوز از یک سو به احترام به حقوق و کرامت فردی مربوط می شوند و از سوی دیگر به نحوه بهره گیری متجاوز از زور، تهدید و نیرنگ برای دستیابی به اهداف خود. این ارکان در کنار هم، چارچوبی جامع برای تعریف تجاوز فراهم می کنند و اهمیت توجه به شرایط و ابزارهای مختلفی که در این جرم مورد استفاده قرار می گیرد را برجسته می سازند.

۱/۳/۱/۴. حضور فرد ثالث

چهارمین رکن از مفهوم تجاوز ناموسی آن است که این عمل باید توسط شخص ثالثی غیر از شوهر صورت گیرد. به عبارت دیگر، اگر مردی بدون رضایت همسرش و با استفاده از زور و اجبار با او رابطه جنسی برقرار کند، در اینجا نمی توان از تجاوز ناموسی سخن گفت. این مسئله (تجاوز ناموسی)، حتی در مواردی که این عمل شرعاً مکروه یا حرام تلقی می شود، مانند

۱۹. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸ هج ق، ص: ۱۷۷

۲۰. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط في فقه الإمامية، ۸ جلد، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران - ایران، سوم، ۱۳۸۷ هج ق، ص: ۷۶

۲۱. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۷ هج ق، ص: ۶۰

۲۲. خویی، سید ابو القاسم موسوی، مبانی تکملة المنهاج، ۲ جلد، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي ره، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ هج ق، موسوعة، ص: ۴۲۳

وطی از دبر که فقها آن را گرچه مکروه دانسته‌اند ولی حرمت آن را تأیید نکرده‌اند^{۲۳}، صدق نمی‌کند. همچنین، روابط جنسی غیر شرعی میان زن و شوهر؛ مانند برقراری رابطه در دوران حیض^{۲۴} یا در ایام خاصی همچون ماه رمضان، اعتکاف، یا ایام روزه‌داری^{۲۵}، علی‌رغم اینکه از منظر فقهی حرام محسوب می‌شود، در دسته‌بندی تجاوز ناموسی قرار نمی‌گیرد. چنین اعمالی تنها از حیث شرعی، حرام و مستوجب عقوبت اخروی هستند^{۲۶}، اما ماهیت آنها تجاوز ناموسی محسوب نمی‌شود.

در تجاوز ناموسی، حضور شخص ثالث و انجام رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج شرعی لازم است. این عمل زمانی تجاوز ناموسی به حساب می‌آید که قربانی تجاوز (زن، دختر، مادر یا خواهر) توسط فردی غیر از همسر شرعی مورد تعرض قرار گیرد؛ به تعبیر دیگر تجاوز ناموسی در مواردی مصداق دارد که رابطه جنسی توسط فردی غیر از همسر قانونی صورت گرفته باشد. اعم از اینکه فرد مورد تجاوز دارای همسر باشد یا خیر. در این شرایط، مفهوم تجاوز ناموسی تحقق می‌یابد.

بنابراین، تجاوز ناموسی یک مفهوم کلی است که مستلزم تعرض به حریم جنسی زن در چارچوب خانواده است، خواه فرد مورد تجاوز متأهل باشد یا مجرد. در هر دو صورت، ارکان اصلی تجاوز و نقض حرمت ناموس در آن به طور کامل تحقق می‌یابد.

^{۲۳} . خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران. مترجم محمد قاضی‌زاده، و علی اسلامی. ، ۱۳۸۳ ه.ش.، ترجمه تحریر الوسيلة، قم - ایران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، جلد: ۳، صفحه: ۴۳۱ *** همچنین *** یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم. مترجم عباس قمی. مصحح علیرضا اسداللهی فرد. ، ۱۳۸۱ ه.ش.، غایة القصوى في ترجمة العروة الوثقى، قم - ایران، صبح پیروزی، جلد: ۲، صفحه: ۳۰۳

^{۲۴} . صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. محقق و معلق محمود قوچانی، و علی آخوندی، و عباس قوچانی، و رضا استادی. مصحح ابراهیم میانجی. نویسنده جعفر بن حسن محقق حلی، جواهر الکلام (ط. القدیمة)، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربي، جلد: ۳، صفحه: ۲۲۵ (الخامس) یحرم علی زوجها و نحوه مع علمه بالحیض و حکمه و تعمدہ و طؤها فی القبل، کما انها یحرم علیها تمکینه من ذلك أيضا حتی تطهر إجماعا بل ضرورة من الدین، فیحکم بکفر مستحله

^{۲۵} . خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - دفتر قم. ، ۱۳۹۲ ه.ش.، استفتاءات (امام)، تهران - ایران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، جلد: ۱، صفحه: ۲۵۰

^{۲۶} . طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی. نویسنده جعفر بن حسن محقق حلی. ، ۱۴۰۴ ه.ق.، ریاض المسائل (ط. القدیمة)، قم - ایران، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، جلد: ۱، صفحه: ۳۱۶ (السابعة من وطء زوجته مكرها لها لزمه كفارتان و يعزر، بلاخلاف)

۲/۳/۱. اقسام تجاوز ناموسی

این نوع تجاوز را می توان در یک دسته بندی کلی به دو دسته تجاوز در حد زنا و تجاوز در حد کمتر از زنا تقسیم بندی کرد. تجاوز در حد زنا آن است که رابطه جنسی کامل (ادخال حداقل به اندازه حشفه) و بدون رضایت میان دو فردی که از لحاظ شرعی به هم محرم نیستند، انجام می گیرد. این عمل در شریعت اسلام و در بسیاری از نظام های حقوقی به عنوان یکی از شدیدترین جرایم شناخته شده و برای آن مجازات هایی نظیر اعدام، شلاق، یا حتی جواز قتل در نظر گرفته می شود.

دسته دوم این نوع تجاوز شامل رفتارهایی است که به عنوان زنا تلقی نمی شوند، اما همچنان تعرض به حریم جنسی فرد محسوب می گردند. این اعمال ممکن است شامل لمس نامشروع، بوسیدن^{۲۷} یا هر گونه تعرض جنسی دیگری باشد^{۲۸} که بدون رضایت فرد انجام شده و موجب آزار وی می شود. اگرچه این نوع از تجاوز مجازات های خفیف تری نسبت به زنا دارد، اما از دیدگاه شرعی و قانونی همچنان تجاوز به حقوق و کرامت انسانی فرد به شمار می رود و بسته به شدت و نوع عمل، مجازات های متناسبی برای آن در نظر گرفته شده است.

هر دو نوع این تجاوزها زمینه ساز شکل گیری مفهومی به نام دفاع از ناموس می شوند؛ به این معنا که شخص مورد تجاوز و اطرافیان وی مجاز هستند در برابر متجاوز به حریم ناموسی خود اقدامات دفاعی انجام دهند. پرسشی که در این میان مطرح می شود این است که ماهیت این دفاع چیست؟ به عبارتی دیگر، دفاع از ناموس چه ویژگی ها و حدودی دارد؟

۱/۱/۱. دفاع از ناموس در برابر تجاوز

بنای قرآنی دفاع از ناموس، آیات دفاع مشروع است: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (سوره بقره، آیه ۱۹۱). در این آیه، «فتنه» می تواند شامل فتنه ای باشد که به قصد فساد و تجاوز به ناموس ایجاد می شود. همچنین آیه «وَلَمَنْ اِنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» (سوره شوری، آیه ۴۱) حق دفاع و

^{۲۷} عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۷ هـ ق ج ۲، ص:

^{۲۸} طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط في فقه الإمامية، ۸ جلد، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران - ایران، سوم، ۱۳۸۷ هـ ق ج ۸، ص: ۷۶ *** همچنین حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸ هـ ق ج ۴، ص: ۱۷۷

انتقامگیری پس از ستم را برای مظلوم به رسمیت می‌شناسد. دفاع از ناموس، دفاع در برابر «بغی» و «عدوان» است که قرآن به مقابله با آن فرمان داده است (سوره حجرات، آیه ۹).^{۲۹}

به طور کلی، تجاوز غیرشرعی که توسط فردی غیر همسر ایجاد می‌شود، وظایف و تکالیفی را بوجود می‌آورد که از جمله و مهمترین آن، جواز و مشروعیت دفاع است؛ بدین معنا که فرد مدافع از حریم ناموس خود مجاز و مشروع است که به دفاع از ناموس در برابر متجاوز بپردازد. اما در اینجا سوالی مطرح است و آن اینکه این دفاع از ناموس، از چه ماهیت و جوهره‌ای برخوردار است؟ در این باب سه نظریه عمده وجود دارد که عبارتند از:

۱/۱/۱/۱. دفاع از ناموس به مثابه جرم مستثنی

اولین دیدگاه در باب ماهیت دفاع از ناموس، دیدگاهی است که دفاع از ناموس را ماهیتاً عملی مجرمانه می‌داند؛ چرا که مستلزم رفتارهایی است که آن رفتارها جرم انگاری شده‌اند. لکن به جهت مشروعیت و ضرورتی که دارد از مجازات و پیگیری قانونی معاف می‌گردد. به بیان دیگر حکم رفتارهای مجرمانه به طور کلی مجازات می‌باشد و این رفتار (دفاع از ناموس) از این حکم تخصیص خورده است و شخص مدافع از از پیگیری و عقوبت جزایی و کیفری می‌باشد. این دیدگاه در میان برخی از حقوقدانان وجود دارد^{۲۹}

۱/۱/۱/۲. دفاع از ناموس به مثابه امر مباح

دیدگاه دوم در خصوص ماهیت دفاع از ناموس، بر این باور است که دفاع از ناموس، یک فعل مباح و مجاز به شمار می‌رود. برخلاف دیدگاه اول که دفاع را یک جرم مستثنا شده می‌داند، این دیدگاه معتقد است که دفاع از ناموس از اساس مجاز است و اصلاً موضوع جرم محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، این دیدگاه دفاع از ناموس را تخصصاً از موضوع جرم خارج می‌داند، نه به دلیل استثنا شدن از حکم جرم. بنابراین خروج موضوعی دارد. از جمله افرادی که معتقد به این دیدگاه است، عبدالقادر عوده و داود العطار می‌باشند.

^{۲۹}. رحیمی مقدم، احمد، دفاع مشروع، در حقوق کیفری ایران و انگلستان، انتشارات مجد، ص ۱۳۴.

عبدالقادر عوده در این زمینه توضیح می‌دهد که در قوانین موضوعه معاصر، دفاع شرعی به عنوان یک حق برای مدافع در نظر گرفته شده است، هرچند واجب و ضروری تلقی نمی‌شود.^{۳۰} او تأکید می‌کند که این حق، دفاع را مجاز می‌شمارد، اما اجباری بر انجام آن نیست. این دیدگاه به این معناست که افراد حق دارند از خود یا ناموس خود دفاع کنند، اما الزامی به انجام آن ندارند.

عبدالقادر عوده در ادامه با اشاره به نظر فقها مبني بر وجوب دفاع، می‌نویسد که تفاوت بین نظریه واجب دانستن دفاع و حق دانستن آن در این است که در حالت اول، فرد مکلف به دفاع است و ترک آن گناه محسوب می‌شود، در حالی که در حالت دوم، فرد در انجام یا ترک دفاع مختار است و ترک آن گناه تلقی نمی‌شود.^{۳۱}

داود العطار نیز به عنوان یکی دیگر از مدافعان این نظریه، تأکید می‌کند که دفاع مشروع بر مبنای "اباحه اصلیه" استوار است. او می‌گوید که در بسیاری از کشورهای اروپایی مانند آلمان، دانمارک و اسپانیا، این اصل پذیرفته شده است. به این معنا که دفاع به عنوان یک عمل مجاز تلقی می‌شود، مگر اینکه از حدود و شرایط مشروعیت خود تجاوز کند که در آن صورت به عنوان جرم محسوب می‌شود.^{۳۲}

العطار در ادامه می‌افزاید که "اباحه اصلیه" در مقابل "اباحه استثنائیه" قرار دارد. به این معنا که در اباحه استثنائیه، مجاز بودن عمل منوط به تصویب قانون‌گذار است، در حالی که در اباحه اصلیه، فرد خود قادر است تشخیص دهد که عمل دفاعی مشروع است و نیاز به تأیید قانون‌گذار ندارد.^{۳۳}

بنابراین، دیدگاه دوم درباره ماهیت دفاع از ناموس، معتقد است که این دفاع به طور ذاتی مجاز بوده و از شمول جرم خارج است. قائلین به این دیدگاه بر این باورند که دفاع از ناموس نه تنها یک حق مشروع است، بلکه نیازی به استثنا از قوانین کیفری ندارد، زیرا بر اساس "اباحه اصلیه" از ابتدا مجاز شمرده می‌شود. در نتیجه، عمل دفاع از ناموس تنها در صورتی به عنوان جرم تلقی می‌شود که از حدود مشروعیت خود فراتر رود.

^{۳۰}. العوده، عبدالقادر، التشریع الجنایی الاسلامی، ج ۱، ص ۴۷۸

^{۳۱}. العوده، عبدالقادر، التشریع الجنایی الاسلامی، ج ۱، ص ۴۷۵

^{۳۲}. العطار، داود، تجاوز الدفاع الشرعی: دراسته مقارنه، ص ۲۸

^{۳۳}. العطار، داود، تجاوز الدفاع الشرعی: دراسته مقارنه، ص ۳۲

۱/۱/۳. دفاع از ناموس به مثابه تکلیف

سومین دیدگاه درباره ماهیت دفاع از ناموس، آن را به عنوان یک تکلیف شرعی و وظیفه‌ای غیرقابل انکار مطرح می‌کند. در این دیدگاه، دفاع از ناموس نه تنها جرم محسوب نمی‌شود، بلکه به عنوان وظیفه‌ای واجب در نظر گرفته شده است. بر اساس این نظر، دفاع از ناموس به عنوان یک تکلیف شرعی بر عهده افراد قرار داده شده است و ترک این وظیفه می‌تواند پیامدهای دینی به همراه داشته باشد. این دیدگاه، که عمدتاً توسط فقها بیان شده است، به دفاع از ناموس به عنوان یک تکلیف الزامی می‌نگرد که فرد موظف است آن را انجام دهد.

"در دیدگاه مفسران معاصر، این تکلیف گاه از حد دفاع فردی فراتر رفته و به مسئولیت اجتماعی تبدیل می‌شود. آیت‌الله مکارم شیرازی با استناد به آیه «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير» (آل عمران: ۱۰۴)، امر به معروف و نهی از منکر در برابر چنین جرایمی را نه تنها جایز، بلکه در شرایطی بر عهده نهادهای حاکمیتی واجب می‌دانند."

فقها، هرچند در جزئیات شرایط و حالت‌های مختلف دفاع اختلاف نظر دارند، اما اصل تکلیف بودن دفاع از ناموس را مورد پذیرش قرار داده‌اند. در بررسی برخی از این دیدگاه‌ها، می‌توان به نظرات فقهایی همچون شیخ طوسی، شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، و صاحب جواهر اشاره کرد.

شیخ طوسی در کتاب المبسوط می‌گوید: «اگر فردی قصد جان، مال، یا ناموس شخصی را داشته باشد، آن شخص حق دارد از خود دفاع کند».^{۳۴} همچنین در کتاب خلاف او آمده است: «اگر کسی قصد جان یا مال فرد دیگری را داشته باشد، دفاع از خود یا مال جایز است، حتی اگر به قتل فرد مهاجم بینجامد. فرد موظف است در صورت خطر قتل از خود دفاع کند و تسلیم نشود، اگر توانایی دفاع را داشته باشد».^{۳۵}

شیخ جعفر کاشف‌الغطاء نیز در آثار خود بیان می‌کند: «دفاع از عرض (ناموس) یا جان مؤمن واجب است، به شرط آنکه احتمال نجات وجود داشته باشد».^{۳۶} شیخ هادی کاشف‌الغطاء نیز می‌افزاید: «دفاع از نفس یا عرض، واجب است».^{۳۷}

^{۳۴} طوسی، محمد بن حسن. محشی محمدتقی کشفی. محقق محمدباقر بهبودی. ۱۳۸۷ ه.ق.، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران - ایران، مکتبة المرتضویة، جلد: ۸، صفحه: ۷۵

^{۳۵} طوسی، محمد بن حسن. محقق جمعی از محققین. ۱۴۰۷ ه.ق.، الخلاف، قم - ایران، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامی، جلد: ۵، صفحه: ۳۴۵

^{۳۶} کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء - ط الحدیثة نویسنده: کاشف الغطاء، الشیخ جعفر جلد ۴: صفحه ۲۹۲

^{۳۷} هدی المتقین الی شریعة سید المرسلین نویسنده: کاشف الغطاء، الشیخ هادی جلد ۱: صفحه ۱۸۶

صاحب جواهر نیز می‌نویسد: «هیچ اختلاف یا اشکالی در این موضوع وجود ندارد که انسان مکلف است از خود، ناموس (خانواده)، و مالش در برابر مهاجمان دفاع کند، تا جایی که امکان دارد».^{۳۸}

فقه‌های معاصر نیز همین رویکرد را دنبال کرده‌اند. امام خمینی می‌گوید: «اگر کسی قصد قتل یا تعرض به ناموس او را داشته باشد، دفاع واجب است، حتی اگر منجر به قتل مهاجم شود».^{۳۹} حسینعلی منتظری نیز به صراحت بیان می‌کند: «اگر فردی مردی بیگانه را با قصد تعرض به همسر، دختر، یا یکی از نزدیکانش بیابد، موظف است به هر وسیله ممکن او را دفع کند، حتی اگر به قتل او منجر شود».^{۴۰}

این دیدگاه‌ها به روشنی دفاع از ناموس را نه تنها به عنوان یک حق، بلکه به عنوان یک وظیفه شرعی و اجتماعی بیان می‌کنند که ترک آن می‌تواند عواقب دینی و اخلاقی به همراه داشته باشد.

۱/۱/۲. حکم فقهی تجاوز ناموسی

۱/۱/۲/۱. وجوب دفاع

همانطور که در بالا به آن اشاره شد، فقه‌های امامیه دفاع را در این قبیل موارد (حتی در شرایطی که این تعرض به صورت مستقیم و کامل نباشد) نه تنها مجاز که واجب دانسته‌اند.^{۴۱} و این مسئله را بلاخلاف عنوان کرده‌اند.^{۴۲} بنابراین یکی از احکام مربوط به تجاوز ناموسی، وجوب دفاع است.

^{۳۸} صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. محقق و معلق محمود قوچانی، و علی آخوندی، و عباس قوچانی، و رضا استادی. مصحح ابراهیم میانجی. نویسنده جعفر بن حسن محقق حلی. ، ، جواهر الکلام (ط. القدیمة)، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، جلد: ۴۱، صفحه: ۶۵۰

^{۳۹} خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - دفتر قم. ، ۱۳۹۲ ه.ش.، تحریر الوسيلة، تهران - ایران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره)، جلد: ۱، صفحه: ۵۱۸

^{۴۰} الأحكام الشرعية نویسنده: المنتظري، الشيخ حسين علي جلد ۱: صفحه ۳۶۵

^{۴۱} خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - دفتر قم. ، ۱۳۹۲ ه.ش.، تحریر الوسيلة، تهران - ایران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره)، جلد: ۱، صفحه: ۵۱۸

^{۴۲} صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. محقق و معلق محمود قوچانی، و علی آخوندی، و عباس قوچانی، و رضا استادی. مصحح ابراهیم میانجی. نویسنده جعفر بن حسن محقق حلی. ، ، جواهر الکلام (ط. القدیمة)، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، جلد: ۴۱، صفحه: ۶۵۰ (لا خلاف و لا إشكال في أنه للإنسان أن يدفع المحارب أو اللص أو غيرهما عن نفسه و حریمه و ماله ما استطاع للأصل و الإجماع بقسمیه، و ما تقدم من النصوص في المحارب ۴۲ بل و عن غيره، للأصل و عموم الإعانة على البر و غیر ذلك" ۴۲)

یکی از نکات مهم در فهم این مسئله، بررسی دقیق‌تر معنای تعبیری همچون «له منعه» یا «له دفعه» است که فقها در بیان حکم در برابر فرد متجاوز، از آن‌ها استفاده کرده‌اند. در نگاه نخست، این اصطلاحات ممکن است صرفاً بر جواز دفاع دلالت کنند، اما با دقت بیشتر در متون فقهی، مشخص می‌شود که مراد فقها از این عبارات فراتر از جواز صرف است. در حقیقت، این اصطلاحات به‌نوعی بر وجوب دفاع دلالت دارند. دفاع از ناموس در برابر تجاوزات جنسی به‌عنوان یک حکم عقلی و شرعی بدیهی است که نیازی به تصریح مکرر در متون فقهی ندارد.^{۴۳} بنابراین، استفاده فقها از این عبارات، نشان‌دهنده تأکید آن‌ها بر وجوب دفاع در این موارد است. به تعبیر دیگر جواز در این جا به معنای جواز به معنای عام است که شامل حکم وجوب می‌شود.

به‌عنوان مثال، صاحب کتاب «کشف اللثام» در بحث از حکم دفاع، ابتدا مانند بسیاری از فقهای دیگر از جواز دفع متجاوز صحبت می‌کند، اما سپس با به‌کارگیری تعبیری که بر وظیفه و تکلیف دلالت دارند، به‌صراحت بر وجوب دفع متجاوز تأکید می‌کند:

«و لو وجد مع زوجته أو ولده أو غلامه أو جاريته أو أحد من محارمه أو أجنبي من ينال دون الجماع
 كان له بل عليه دفعه إن تمكّن منه فإن امتنع من الاندفاع فله قتله في غير الأجنبي لأنه دفاع مباح أو
 مأمور به عن الحریم.»^{۴۴}

این نوع استدلال در دیگر منابع فقهی نیز مشاهده می‌شود و فقهای متعددی با استفاده از این روش، بر وجوب دفاع از حریم ناموس و مشروعیت قتل متجاوز در صورت لزوم تصریح کرده‌اند.

۱/۲/۲. هدر بودن خون متجاوز و عدم ضمان مدافع

فقها به‌اتفاق بر این نظرند که در شرایط تجاوز جنسی، خون متجاوز هدر است و مدافع هیچ‌گونه ضمانتی بر عهده نخواهد داشت؛ حتی اگر دفاع منجر به قتل متجاوز شود. در این مورد، به‌صراحت ذکر شده که مدافع می‌تواند از جان و حریم خود

^{۴۳} . فاضل هندی، محمد بن حسن. محقق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی. ، ۱۴۱۶ ه.ق.، کشف اللثام عن قواعد

الأحكام، قم - ایران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، جلد: ۱۰، صفحه: ۶۴۹

^{۴۴} . اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ۱۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه

قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ ه.ق ج ۱۰، ص: ۶۵۲

و خانواده‌اش دفاع کند، و اگر در این دفاع، متجاوز به قتل برسد، مدافع مسئولیتی نخواهد داشت. این دیدگاه به روشنی در آثار فقهای متقدم^{۴۵} و معاصر^{۴۶} بیان شده است.

۱/۲/۳. جواز قتل متجاوز در صورت عدم امکان دفع با روش دیگر

از دیگر احکام جواز قتل متجاوز است. البته در مقام دفاع. بدیهی است که در صورت انجام تجاوز، قتل ایشان واجب است و خون ایشان هدر. ولی در مقام اقدام به تجاوز و هنگام دفاع در برابر ایشان، حتی جواز قتل ایشان صادر شده است، لکن این جواز قتل منوط شده است به رعایت قاعده الاسهل فالاسهل. بدین معنا که رعایت مراتب دفاع باید صورت بگیرد. در صورتی که دفع متجاوز امکان پذیر نباشد مگر با قتل ایشان، فقها در این مورد حکم جواز قتل را صادر کرده اند. متقدمین^{۴۷} و معاصرین^{۴۸} در این باره متفق القول هستند.

"مفسران معاصر مانند آیت الله علوی بروجردی، بر رعایت دقیق «مراتب دفاع» حتی در مقام قتل متجاوز تأکید دارند. ایشان با تمسک به آیه «لا تحرموا طبیات ما احل الله لكم و لا تعندوا» (مائده: ۸۷)، هرگونه افراط در دفاع که خارج از

^{۴۵}. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، ۸ جلد، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران - ایران، سوم، ۱۳۸۷ هـ ق ج ۸، ص: ۷۶ (كذلك إذا وجده مع جاریته أو غلامه و إن وجده ینال منها دون الفرج كان له منعه و دفعه عنها، فان أبی الدفع علیه فهو هدر فیما بینہ و بین الله تعالى). *** همچنین *** حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸ هـ ق ج ۴، ص: ۱۷۷ (الأولی لو وجد مع زوجته أو مملوکه أو غلامه من ینال دون الجماع فله دفعه فإن أتى الدفع علیه فهو هدر) *** همچنین *** حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ ق ج ۳، ص: ۵۷۱ (و لو وجد مع زوجته أو ولده أو غلامه أو جاریته من ینال دون الجماع كان له دفعه فإن امتنع فله قتله)

^{۴۶}. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - دفتر قم، ۱۳۹۲ هـ ش.، تحریر الوسيلة، تهران - ایران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره)، جلد: ۱، صفحه: ۵۱۸

^{۴۷} عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ هـ ق ج ۹، ص: ۳۵۱ (و لو وجد مع زوجته، أو مملوکه، أو غلامه أو ولده من ینال دون الجماع فله دفعه بما یرجو معه الاندفاع كما مر (معتمدا على الأسهل فالأسهل). فإن أتى الدفع علیه، و أفضی إلى قتله حيث لم یمكن دفعه بدونه فهو هدر.)

^{۴۸}. خویی، سید ابو القاسم موسوی، مبانی تکملة المنهاج، ۲ جلد، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي ره، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ هـ ق ج ۴۱ موسوعة، ص: ۴۲۲

*** همچنین *** وحید خراسانی، حسین. ۱۳۸۶ هـ ش.، منهاج الصالحین (وحید)، قم - ایران، مدرسة الامام باقر العلوم (علیه السلام)، جلد: ۳، صفحه: *** همچنین *** سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۴۳۲ هـ ق.، الحدود و التعزیرات فی الشریعة الإسلامية الغراء، قم - ایران، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، صفحه: ۵۰۱

ضرورت باشد را مصداق «اعتداء» و حرام می‌دانند. این نگاه، ظرافت و تعادل احکام اسلامی را در عین قاطعیت نشان می‌دهد.

اما با توجه به نظرات فقها، می‌توان نتیجه گرفت که دفاع در برابر هرگونه تعرض جنسی، نه تنها مجاز بلکه واجب است و در این موارد، مدافع هیچ‌گونه مسئولیتی نخواهد داشت. حکم به وجوب دفاع در این زمینه، در بسیاری از متون فقهی تأیید شده و حتی اگر این دفاع منجر به قتل متجاوز شود، خون او هدر است و مدافع ضامن نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

در پایان، این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم چارچوبی جامع، ژرف و استوار برای فهم و مواجهه با خشونت‌های موسوم به «تجاوز ناموسی» ارائه می‌دهد. این مسئله صرفاً یک موضوع حقوقی محدود به دایره فقه نیست، بلکه در حقیقت، نقضی بنیادی نسبت به حرمت و شرافت الهی اعطا شده به انسان است. تأکید قرآن بر «کرامت انسانی» بنیانی استوار برای قداست مطلق فرد انسانی می‌نهد و هرگونه تجاوز جنسی را حمله‌ای مستقیم به حقی می‌داند که خداوند خود آن را به انسان بخشیده است. قرآن، با طبقه‌بندی چنین اعمالی در ذیل مفاهیمی چون «فاحشه»، «منکر» و «فساد فی الارض»، آن‌ها را در مرکز پروژه اخلاقی و اجتماعی خویش قرار می‌دهد—پروژه‌ای که هدف آن برپایی جامعه‌ای پاک، عادل و فضیلت‌محور است.

احکام فقهی، هرچند از حیث جزئیات و مصادیق دقیق و گسترده‌اند، مشروعیت و جهت‌گیری اخلاقی نهایی خود را از این جهان‌بینی قرآنی می‌گیرند. اجازه و بلکه وجوب دفاع از «عرض و ناموس» در اسلام، برخاسته از غیرت قبیله‌ای و حس شرم اجتماعی نیست، بلکه ریشه در فرمان الهی به «وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» دارد که در سیاق مقابله با «فتنه» نازل شده است—و «فتنه» در قرائت امروز می‌تواند به معنای فساد اجتماعی و ویرانی روانی ناشی از خشونت جنسی تفسیر شود. مجازات نهایی متجاوز نیز در چهارچوب هشدار شدید قرآن درباره «محاربه با خدا و رسول» قرار می‌گیرد؛ محاربه‌ای که نمود آشکار آن، اشاعه فساد در زمین است. دیدگاه‌های مفسران و اندیشمندان معاصر نیز بر پویایی و روزآمدی این پیام قرآنی گواهی می‌دهند. آنان نشان می‌دهند که چگونه اصولی چون کرامت، عدالت و مسئولیت اجتماعی می‌توانند در برابر چالش‌های نوین، از بهره‌کشی دیجیتال گرفته تا بازتعریف «ناموس» در جهان مدرن، به شکلی زنده و مؤثر به کار گرفته شوند. بنابراین، ژرف‌ترین نتیجه آن است که واکنش اسلام به خشونت‌های ناموسی، مجموعه‌ای از مجازات‌های کهنه و خشک نیست، بلکه تعهدی عمیق و برخاسته از قرآن به پاسداری از کرامت انسانی، استقرار عدالت، و پاک‌سازی جامعه از آلودگی ناشی از تجاوز جنسی است. قرآن صرفاً جرم را کیفر نمی‌دهد؛ بلکه جهان اخلاقی‌ای را می‌سازد که در آن، این جرم به منزله خطایی نهایی در برابر اراده الهی فهمیده می‌شود—و از همین رو، پاسخ به آن باید هم قاطع و هم عمیقاً ریشه‌دار در خواست الهی برای شکوفایی و تعالی انسان باشد.

۱. ابن براج، عبدالعزيز بن نحرير؛ مقدمه جعفر سبحانی تبریزی، "المهذب"، مؤسسه النشر الإسلامی، قم - ایران.
۲. بستانی، فواد افرام، ترجمه رضا مهیار، "فرهنگ ابجدی"، اسلامی، تهران - ایران.
۳. حاجی ده آبادی، احمد؛ محمدعلی حاجی ده آبادی؛ یوسفی، محمد، "بررسی مبنای ضرر در جرم انگاری تجاوز جنسی با رویکردی به فقه امامیه"، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۲.
۴. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، "رياض المسائل (ط - الحديثة)"، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۵. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر، "قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام"، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران.
۶. حلّی، محقق، نجم الدین جعفر بن حسن، "شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام"، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران.
۷. خادمی نسیم، مجتبی جعفری، "جامعه شناسی حقوق کیفری؛ رویکرد انتقادی به حقوق کیفری"، نشر میزان، تابستان ۱۳۹۲.
۸. خمینی، روح الله، "استفتاءات (امام)"، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران - ایران.
۹. خمینی، روح الله، "تحریر الوسيلة"، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران.
۱۰. خویی، سید ابو القاسم موسوی، "مبانی تکملة المنهاج"، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، قم - ایران.
۱۱. دهخدا، علی اکبر؛ به کوشش ایرج مهرکی، غلامرضا ستوده و اکرم سلطانی، "لغت نامه"، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، تهران - ایران.
۱۲. سبحانی تبریزی، جعفر، "الحدود و التعزیرات فی الشریعة الإسلامية الغراء"، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، قم - ایران.
۱۳. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر؛ محمود قوچانی، "جواهر الکلام (ط. القديمة)"، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان.
۱۴. طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی؛ جعفر بن حسن محقق حلّی، "الشرح الصغیر فی شرح المختصر النافع"، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره)، قم - ایران.
۱۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، "المبسوط فی فقه الإمامية"، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران - ایران.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، "النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى"، دار الكتاب العربی، بیروت - لبنان.
۱۷. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، "الدروس الشرعية فی فقه الإمامية"، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
۱۸. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، "الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقية"، کتابفروشی داوری، قم - ایران.
۱۹. العین، "مؤسسة دار الهجرة"، قم - ایران.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، "الکافی (اسلامیه)"، دار الکتب الإسلامیه، تهران - ایران.
۲۱. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، "یک دوره فقه کامل فارسی"، فراهانی، تهران - ایران.
۲۲. محقق حلّی، جعفر بن حسن، "المختصر النافع فی فقه الإمامية"، مطبوعات دینی، قم - ایران.
۲۳. معلوف، لويس، "المنجد فی اللغة العربية المعاصرة"، دار المشرق، بیروت - لبنان.
۲۴. معلوف، لويس، "المنجد فی اللغة"، اسماعیلیان، قم - ایران.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ ابراهیم بهادری، "أنوار الفقاهة"، مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، قم - ایران.
۲۶. المنتظری، الشیخ حسین علی، "الأحكام الشرعية"، نشر تفکر، قم.

۲۷. نوبهارى طهرانى، عليرضا، "تعرضات جنسى در نظام كىفرى ايران و انگلستان"، مجد، تهران - ايران، ۱۳۹۳.
۲۸. وحيد خراسانى، حسين، "منهاج الصالحين"، مدرسة الامام باقر العلوم عليه السلام، قم - ايران؛
۲۹. يزدي، محمد كاظم بن عبد العظيم، "العروة الوثقى و التعليقات عليها"، مؤسسة السبطين عليهما السلام العالمية، قم - ايران.
۳۰. يزدي، محمد كاظم بن عبد العظيم؛ موسى اردبيلى، عبد الكريم، "العروة الوثقى"، جامعة المفيد، قم - ايران.
۱۹۴۰. Liddle, H.G., and Scott, R., "A Greek-English Lexicon", Clarendon Press, Oxford, ۱۹۴۰. ۳۱.